

اهمیت تقرب بین مذاهب

مؤلف: د. احمد عمر هاشم

مترجم: ایوب شافعی پور



مهم‌ترین چیزی که امت اسلامی باید به آن اهتمام بورزد، یکپارچه کردن صف خود و گرد آوردن کلمه خویش است؛ زیرا تفرقه و اختلافات از خطرناک‌ترین چیزهایی است که امت‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند؛ چراکه آن‌ها را ناتوان می‌سازد، به ورطه‌های هلاکت می‌کشاند و دشمنان را بر آنان جرأت و تسلط می‌بخشد.

هیچ چیزی برای امت خطرناک‌تر از این نیست که از درون خود مورد هجوم قرار گیرد و در میان خود دچار نزاع شود و در پیکره درونی‌اش کشمکش و درگیری پدید آید و از این هم خطرناک‌تر آن چیزی است که به عقیده و عبادت آن مربوط می‌شود؛ آنگاه امت به گروه‌ها و فرقه‌هایی پراکنده می‌شود که هیچ پیوندی آن‌ها را گرد نیاورده و هیچ عقیده‌ای آنان را متحد نمی‌سازد؛ بلکه هر فرقه‌ای برای خود راهی برگزیند که با دیگران مخالف است؛ در نتیجه امت ناتوان می‌شود و امت‌ها بر آن هجوم می‌آورند، همان‌گونه که خورندگان بر کاسه غذای خود هجوم می‌برند؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «زود باشد که ملت‌ها بر شما هجوم آورند، همچون هجوم گرسنگان به ظرف غذا. یکی از آن میان گفت: آیا به علت آن که در آن هنگام شمارمان اندک است [چنین می‌کنند]؟ فرمود: برعکس، تعدادتان بسیار زیاد است اما چونان کف و خاشاک روی سیلاب هستید، خداوند هیبت و شکوه شما را از دل‌های دشمنانتان بر می‌گیرد و در دل‌های شما «وهن» می‌افکند. یکی پرسید: ای پیامبر خدا! «وهن» چیست؟ فرمود: دوست داشتن دنیا و ناخوش داشتن مرگ»^۱.

از همین رو، قرآن کریم اهمیت گردهم آمدن و اتحاد امت را روشن ساخت؛ پس همه انسانیت را به یک اصل بازگرداند، و به یک پدر و یک مادر؛ آن‌جا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات/۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد وزن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است».

امت اسلامی را یک جهت واحد گرد می‌آورد: پرستش خدای یگانه‌ای که هیچ شریکی ندارد و پیامبری یگانه که خداوند با او پیامبران و فرستادگان را ختم کرد و قبله‌ای واحد که در هر روز پنج بار در نماز به سوی آن روی می‌آورند و خداوند به

۱. ابی داود، سنن، روایت شماره ۴۲۹۷.



مسلمانان فرمان داده است که هرگاه در امری از امور دچار اختلاف شدند، به کتاب خدا و به سنت رسول خدا بازگردند؛ چنان که فرمود: «اگر به آن دو متمسک شوید هیچ گاه گمراه نمی شوید، کتاب خدا و سنت من».^۲

هرگاه به سوی خدا و رسول او، یا به کتاب خدا بازگردند، پس اگر - برای مثال - به بیشتر اختلافاتی که میان [مسلمانان] رخ می دهد بنگریم و آن ها را به کتاب خدا و سنت رسول او بازگردانیم، هیچ اختلافی میان آنان باقی نخواهد ماند؛ زیرا اختلاف، در حقیقت، به سبب دوری از خدا و رسول او و دوری از کتاب و سنت پدید می آید. پس آن گاه که مردم از پروردگارشان و از رسولشان دور شوند، میدان را برای دشمنان خود می گشایند تا در میان آنان دخالت کنند و دخالت دشمنان، اختلاف و درگیری را در درون امت شعله ور می سازد و هنگامی که امت ناتوان می شود، دشمنانش شروع می کنند به درو کردن نتایج این ناتوانی و این اختلاف.

از دیرباز، دشمنان امت کوشیدند میان اوس و خزرج فتنه و دشمنی بیفکنند و تلاش کردند امت را پس از آن که اسلام آن را بر توحید و ایمان گرد آورده بود، پراکنده سازند؛ اما همین که فتنه ها را در میان مسلمانان برانگیختند و روز بعاث و آنچه از جنگ ها و سختی ها [در آن] رخ داده بود را به یادشان آوردند، پیامبر ﷺ از آنچه اتفاق افتاده بود آگاه شد؛ پس نزد آنان آمد و به ایشان گفت:

«آیا به دعوت جاهلیت [باز می گردید] در حالی که من در میان شما هستم؟ رهایش کنید، که همانا آن بدبو و پلید است».^۳

پس آنان به راه درست خود بازگشتند، گریستند و برخی از آنان یکدیگر را در آغوش گرفتند. قرآن به آنان فرمان داد که همگی به ریسمان خدا چنگ زنند؛ و نه به شرق و نه به غرب چنگ زنند؛ بلکه به دین خدا و کتاب خدای سبحان متمسک شوند. خدای متعال فرمود:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران/ ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده و گروه گروه نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه های خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید».

پس اگر - برای نمونه - به بیشتر اختلافاتی که میان مسلمانان وجود دارد بنگریم، آن ها را اختلاف در اصول ایمان و عقیده نمی یابیم و نه در ارکان اسلام و پایه های آن و نه در آنچه به طور ضروری از دین دانسته می شود؛ بلکه آن ها را اختلافاتی در فروع می یابیم و بیشتر آن ها میان شایسته یا شایسته تر قرار دارد و این اختلافات، زائیده انزوا و دوری میان مردم است و پندارها و اوهام آن ها را ساخته است.

۲. ترمذی، سنن، روایت شماره ۳۷۸۸.

۳. بخاری، روایت شماره ۴۹۰۵؛ مسلم، روایت شماره ۲۵۸۴.

و از جمله چیزهایی که هیچ تردیدی در آن نیست این است که مهم‌ترین پایه‌های تقارب میان مسلمانان آن است که قاعده‌ای را تحقق بخشند که شیخ رشید رضا رحمته‌الله آن را به قاعده زّین توصیف کرده است و آن این است:

«در آنچه بر آن توافق داریم با یکدیگر همکاری کنیم، و در آنچه در آن اختلاف داریم، یکدیگر را معذور بداریم».

تقارب و به هم رسیدن از مهم‌ترین پایه‌های علاج است؛ اما این که اختلاف‌ها را پنهان کنیم یا بر آن‌ها سرپوش بگذاریم، این نه به علاج می‌انجامد و نه به تقارب؛ بلکه به سردی و فاصله و به شدت یافتن اختلاف‌ها می‌انجامد، همانند بیماری که سلامت را برای خود می‌پندارد، پس بیماری‌اش فزونی می‌گیرد.

از مهم‌ترین وسایل تقریب میان مذاهب عبارت است از دیدارهای عالمان و دید و بازدید آنان از یکدیگر، و از میان برداشتن هرگونه حرکت یا جریانی که در آن برانگیختن اختلاف‌ها و فتنه‌ها وجود دارد؛ بلکه امت باید برگسترش فرهنگ بردباری، ارتباط و دوستی کار کند.

از وسایل تقریب میان مذاهب، پای بندی به جماعت مسلمانان است و این که هیچ کس از اطاعت خارج نشود و جماعت را متفرق نسازد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس از اطاعت خارج شود و از جماعت جدا گردد و در آن حال بمیرد، به مرگی جاهلی مرده است؛ و هر کس زیر پرچمی کورکورانه بجنگد، از روی تعصب خشم گیرد، یا به تعصب فراخواند، یا از تعصب پشتیبانی کند، پس کشته شود، کشته شدن او کشته شدن جاهلی است؛ و هر کس بر ضد امت من خروج کند، نیکوکار و بدکار آن را بزند، و از آسیب رساندن به مؤمنان آن پرهیز نکند - و در روایتی: پرهیز نکند - و به صاحب پیمان، به پیمانش وفا نکند، پس او از من نیست و من از او نیستم».^۴

قرآن کریم مقرر داشته است که امت اسلامی یک امت واحد است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ (انبیاء/ ۹۲)؛ همانا این امت شما، امتی یگانه است» و از روی دغدغه برای پیوستگی و همبستگی امت، خداوند - متعال - به اطاعت از خود و اطاعت از پیامبرش فرمان داد و از نزاع و کشمکش که در پی آن سستی و شکست پدید می‌آید، نهی کرد؛ چنان که سبحانه و تعالی فرمود: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال: ۴۶)؛ و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و نزاع مکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود» و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جنگیدن مسلمانان با یکدیگر نهی فرمود؛ زیرا اگر به این مرحله برسند، به کردار جاهلیت و کفر بازمی‌گردند؛ پس فرمود: «از ما نیست کسی که به تعصب دعوت کند».^۵

در دعوت بردبارانه اسلام به پرهیز از تعصب، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اقتدا می‌کنیم؛ همان کسی که فرمود: «نماز بخوانید همان‌گونه که مرا دیده‌اید نماز می‌خوانم»^۶ و فرمود: «مناسک خود را از من بگیرید».^۷

۴. مسلم، روایت شماره ۱۸۴۸.

۵. ابوداود، سنن، روایت شماره ۵۱۲۱.

۶. بخاری، روایت شماره ۶۰۰۸.

۷. نسائی، سنن، روایت شماره ۳۰۶۲.



به راستی گذشتگان ما ما روح بردباری و پرهیز از تعصب را به کار بستند؛ پس امام شافعی را می بینیم آن گاه که در مسجد امام ابوحنیفه نمازگزارد و پس از برخاستن از رکوع رکعت دوم در نماز صبح قنوت نخواند. به او گفته شد: «آیا قنوت نزد تو سنت نیست؟!» در پاسخ گفت: «با ابوحنیفه مخالفت نمی کنم، در حالی که در محضر او هستم». پس او را می بینیم که بر رأی خود تعصب نورزید، بلکه بر رأی امام ابوحنیفه گام نهاد.

امام مالک را می بینیم، آن گاه که خلیفه از او کتابی خواست که در آن از سخت گیری های عبدالله بن عمر و رخصت های عبدالله بن عباس و دیدگاه های شاذ عبدالله بن مسعود پرهیز شود و به میانه های علم گرایش داشته باشد؛ پس هنگامی که «الموطأ» را نوشت و پیشوایان روزگارش با او بر آن موافقت کردند و خلیفه خواست مردم را به آن ملزم سازد، امام مالک گفت: «نه، ای امیر مؤمنان؛ زیرا یاران رسول خدا در شهرها پراکنده شدند و نزد برخی از آنان چیزهایی است که نزد دیگری نیست؛ پس مردم را و آنچه را که برگزیده اند - آنچه با روزگار و سرزمینشان سازگار است - واگذار، مادامی که با نصی از کتاب خدا و نه با سنت رسول خدا ﷺ برخورد و تعارض نداشته باشند».

سپس می گوید: «همانا اختلاف عالمان، رحمتی از جانب خدا برای این امت است؛ هریک آنچه را نزد او صحیح ثابت شده است می بیند و هریک بر هدایت است و هریک خواهان خشنودی خداوند است».

همانا بازگشت به قرآن و سنت موجب یکپارچگی صف و درمان اختلاف است و آنچه از جانب خدا و از کتاب خدا باشد، هیچ اختلافی در آن نیست و آنچه از جانب غیر خدا باشد، در آن اختلاف وجود دارد؛ همان گونه که خداوند متعال فرمود: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء / ۸۲)؛ و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف فراوانی می یافتند».

خداوند - متعال - ما را هنگام نزاع و اختلاف راهنمایی کرده است که کار را به خدا و رسول ارجاع دهیم؛ آن جا که سبب حانه فرمود: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء / ۵۹)؛ پس اگر در چیزی با یکدیگر نزاع کردید، آن را به خدا و رسول بازگردانید».

بدین سان شریعت اسلامی اهمیت تقریب میان مذاهب و نفی پراکندگی و اختلاف را روشن ساخت، تا امت متحد شود و پراکنده نگردد؛ و توفیق از جانب خداست.